

در خدمت مردم ، یا تجارت سیاسی؟

انکشافهای وضع موجود نظامی-سیاسی افغانستان بر خلاف کوششهای تبلیغاتی رژیم کابل و حامیان غربی اش نگرانیهای معین و قابل بحث را در افکار عامه مردم افغانستان و آنانیکه نسبت به آینده ملت با مسؤولیت میاندیشند به بار آورده است.

در حقیقت مردم ما در یک بازی خطرناک گیر مانده اند. بین پروژه و منافع مجریان نیو گلوبالیزم غرب و آینده تاریک شان، مشتی از عناصر تازه به قدرت رسیده ارتجاع مذهبی و متحدین نا متجانس شان «روشنفکران اپورتونیست» تلاش دارند تا از رسوایی پروژه امریکا-انگلیس با کنار آمدن همراه ارتجاع مذهبی حاکم در قدرت و نمایش تبلیغاتی ظاهراً دموکراتیک ملت را در تاریکی نگهدارند.

«چهار» سال از اشغال افغانستان به وسیله امریکا-انگلیس میگذرد. لشکر کشی کلاه سبز های امریکا-انگلیس به همکاری «۴۵» هزار نیروی تا دندان مسلح متحدین اروپایی اش ظاهراً به منظور سرکوب رژیم طالبان و از بین بردن مرکز تروریسم بنیادگرایی اسلامی در وجود (سازمان تروریستی القاعده) صورت گرفت. اما نتایج حاصله بعد از ۴ سال عملاً نشان داد که تغییرات را که ملت افغان انتظار داشت شکل نگرفت. اگر رژیم سیاه طالبان ظاهراً از بین رفت، تفکر طالبی هنوز با قوت خویش در سیاستهای رسمی دولت دست نشانده کابل در عملکرد مجریان این رژیم در وجود حکومت طالبی-جهادی باقیست.

ملت انتظار داشت با مداخله آشکار امریکا ممکن است بعد از ۳۰ سال افغانستان صاحب دولت شود که به گونه واقعی از وجود عناصر بنیادگرایی اسلامی، (جهادیها و طالبان) عاری باشد و راه حرکت به سوی یک جامعه مدنی که به ارزشها و قوانین بین المللی احترام داشته باشد در رأس رهبری جامعه قرار گیرد. اما این انتظار زیر سایه تفنگداران جهادی-

طالبی و قوای اشغالگر غربی به نتیجه نرسید و حق انتخاب ملت عمداً با فریب و نیرنگ گرفته شد.

ناقضین حقوق بشر، جنایتکاران جنگی، کادر رهبری رژیم طالب دوباره با حمایت مستقیم امریکا-انگلیس، بر اریکه قدرت تکیه زدند و مهر مشروعیت بر رژیم پوشالی کابل از جانب قصر سفید و لندن، بر پیشانی رژیم زده شد.

جالب تر از آن اینست که از حوادث شکل گرفته در افغانستان آقایان «بوش-بلیر» در جریان انتخابات کشور هایشان به حد اعلی آن سو استفاده کردند، تا به جهان نشان دهند که پیامد مداخله نظامی و خودسرانه آنها در افغانستان با نتایج مثبت و «انسانی» همراه بوده است. و بایست مردم افغانستان هر روز به آدرس قصر سفید نماز شکرانه ادا کنند. اما آیا واقعاً ما در افغانستان صاحب یک حکومت انتخابی، رییس جمهور انتخابی و پارلمان مردمی هستیم؟ که به هیچوجه.

رسوایی تقلب در لویه جرگه های ساخته گی و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در حدی بود که کودکان هم به آن میخندند. اما این پروژه بایست مطابق به احکام قصر سفید و لندن که در سند یا اعلامیه بن قید شده بود باید به اجرا در می آمد. جامعه جهانی که دلسوزانه وعده میلیارد ها دالر را در آغاز دادند وقتی متوجه شدند که در کابل یک حکومت مافیایی جهادی-طالبی حاکم است، از پرداخت کل این وعده ابا ورزیدند، اما با آنهم بیش از ۸۱۵ میلیارد دالر به نام مردم افغانستان به کابل و وابسته گان انجویی اش داده شد. نتایج این کمک چیست؟ ده میلیون نفر در زیر فقر زنده گی میکنند، «سه و نیم میلیون» نفر قادر به اعاشه خود نیستند. «۶۷ فیصد» جوانان مستعد به کار بیکارند. شهر کابل و سایر ولایتها تخریب شده کمافی السابق مخروبه بیش نیستند، البته سوأ از چند بلند منزل که وابسته به مافیای مواد مخدر و رهبران جهاد «فی سبیل الله» چیزی دیگری را در دامن خود ندارد.

فساد اداری، رشوه، فحشا، اختطاف، تجاوز به خانه و ناموس مردم و ... از دست آورد های ۴ ساله رژیم دست نشانده کابل است که امریکا-انگلیس افتخار حمایت از این رژیم را دارد.

در یک کلام ساده، دسترخوان ملت خالی و شکمها گرسنه اند. چنین است نتیجه حضور جهان سرمایه در کشور من به همینگونه در عرصه سیاسی واشنگتن-لندن با استفاده از تجربه دوران تجاوز روسها به افغانستان شکل بازی خود را تغییر دادند. به ترتیبی که حکومت و ساختار های دولتی را به گونه و با نیرو هایی آرایش دادند که از یکسو زمینه های مقاومت و مخالفت با حضور و سیاستهای آشکار و پنهان خود را گرفته

باشند و از سوی دیگر گویا به جهان نشان دهند که رژیم دست نشانده نمادیت از پلورالیزم سیاسی که گویا تمام عناصر را در داخل خود هضم کرده است.

به همین خاطر در تبانیهای پشت پرده از طریق «کرزی و خلیلزاد» راه را برای شرکت یکعده از افراد، گروهها و سازمانهای خورد و کوچک دیگر یا وابسته گان دیروز ح.د.خ.ا.، شعله جاوید و متحدین این احزاب که بهر حال در شرایط افغانستان ماهیت این احزاب ترقیخواهانه و دموکراتیک بود، باز کرد. مسلماً عناصر فرصت طلب و اپورتونیست این احزاب با پشت پا زدن به گذشته شان، با سوء استفاده از نفوذ و اعتبار این احزاب (خلق، پرچم و شعله جاوید) وارد به اصطلاح انتخابات شدند و امروز یکجا با ارتجاع مذهبی و رژیم جهادی-طالبی کرسیهای پارلمان را «دوستانه» از خود ساختند.

مسلماً مسأله بر سر کنار آمدن این اشخاص و افراد با رژیم دست نشانده و ارتجاع مذهبی کابل نیست. مسأله بر آنست که نه بایست این آقایان از نام و ... حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شعله جاوید و گروههای دیگر به نفع خویش استفاده میکردند. زیرا از یکسو اینها دیگر تعلق تشکیلاتی و فکری با آرمانهای این احزاب ندارند و از سوی دیگر از جمله ح.د.خ.ا. عملاً بعد از سال ۱۹۹۲ حضور فعال سیاسی و تشکیلاتی ندارد. به همین ترتیب آنانیکه از نام شعله جاوید سوء استفاده کردند در حقیقت جفا به آرمانهای هزاران تن از پیروان این جریان کردند. واضح است که مردم میدانند سوء استفاده از نام جریانهای مترقی دیروز به وسیله این افراد به معنی تبلور آرمانهای ترقیخواهانه جریانهای سیاسی دیروز در وجود این افراد و «گروهها» نیست. خط قرمز روشن سیاستهای رژیم جهادی-طالبی کابل و آرمانهای احزاب و جنبشهای مترقی که در داخل و بیرون افغانستان هنوز با قوت خویش باقیست.

احزاب و جنبشهای چپ انقلابی واقعی افغانستان با آنکه هنوز در حاشیه قرار دارند اما زنده اند و یقیناً در حالیکه خواهان مشارکت و ایتلاف با کابل نیستند در عین حال مکلفیت خود میدانند تا پرچم انقلابی و وطنپرستانه شانرا در بیداری اذعان عامه مردم افغانستان و روشنگری جامعه برای آینده که هدف اشغال قدرت ... نیست بلند و بلند تر نگهدارند.

وطنپرستان افغان، انقلابیون نقاد، باز مانده گان دیروز ح.د.خ.ا. و آنانیکه در سایر جریانهای مترقی دیروز خارج از دایره تشکیلات ح.د.خ.ا. فعالیت داشتند امروز بدین باورند که راه سعادت ملت افغان نه ذریعه حضور فعال ارتجاع مذهبی و فرصت طلبان و شاه پرستان، باز میشود بل شکل گیری یک جبهه وسیع از وطنپرستان افغان و ایتلاف

نیرو های چپ واقعی دیروز، دموکراتها و سایر وطنپرستان که معتقد به امر دموکراسی، عدالت اجتماعی و اعتقاد به ساختمان یک جامعهٔ سیکولر استند میباشد.

مسئلاً بازیهای امریکایی در دوران آشفته گی فکری جاری در کشور عمر طولانی نخواهد داشت اما آنچه پروسهٔ شکل گیری یک دولت ملی را در آینده مشکل ساخته است، حضور مثلث مافیای مواد مخدر، اسلحه و بازیگران سیاستهای جاری در کشور در وجود قوماندانان و رهبران جهادی-طالبی است.

فراموش نباید کرد که بحران اعتماد، منافع شخصی و گروهی تنظیمهای جهادی، وابسته گی مُهره های اصلی قدرت به کشور های منطقه و جهان مواردیست که فروپاشی نه چندان دور این رژیم پوشالی را از همین اکنون نوید میدهد.

مهم آنست که در شرایط جاری کلیه نیرو های مترقی و وطنپرست افغان با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته با کنار گذاشتن عقده های دیروز راه عبور از شرایط موجود را در بسیج کلیه عناصر ملی و وطنپرست جستجو کنند.

www.ayenda.com

